

کل اندر جیب کرده برین را
 حسابی خاسته ازین کافور
 کف ایترشان پسته
 عیار پیش او دخی بود
 دو ساعه استیش کرده پریم
 دل پاکان عالم از دی پیر
 رک جان ساخته تو زینش
 مناده مرهمی بر دل ریش
 زده از مهر برد لها رقم با
 فرود بر سر بری با
 ز زور بنجه مر را کرده رنج
 ز با یکی برود از موی بیی نو
 گران موبودیشیم کسین
 نسیم

بزنی دایه ناف او بریده
 چو کوی که از کزیر او فضا
 برون رفتی خیر ازین گشت
 بیادین سیمت افشاره
 نگویم هیچ نکته گفت نیو
 حصار عصمتش اندیشه راه
 بنای حسن را بسینت
 دلی از چشم هر لایق است
 در آمد از ادب پیشش زانو
 که فیض نور یا بل روی او شد
 رخ دولت در آن آینه بیند
 چو او در لطف کس قلم نیت
 قدم از پاشنه تا بنج نازک

Copyright © King Saud University